



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

▪ مقاله کاری شماره MBRI 9215 / پاییز ۱۳۹۲

▪ بررسی دیدگاه‌های فقهی پیرامون مسأله جبران کاهش ارزش پول

▪ فرشته ملاکریمی



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، روبه‌روی پارکینگ بیهقی، پلاک ۱۰

کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

www.mbri.ac.ir

- دیدگاه و نظرات ارائه‌شده در این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و لزوماً نظر پژوهشکده پولی و بانکی را منعکس نمی‌کند.
- کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی می‌باشد. استفاده از نتایج این مقاله با ذکر منبع بلامانع است.



فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه
۱	دیدگاه نخست: عدم مشروعیت ضمان کاهش ارزش پول
۱	دلیل اول: مثلی بودن پول
۲	دلیل دوم: مواجه شدن با ربا
۲	دلیل سوم: ثبوت ارزش اعتباری پول
۲	دلیل چهارم: ضرر وارد شده از اراده مدیون خارج است
۲	دلیل پنجم: مغایرت با قاعده عدل و انصاف
۳	دیدگاه دوم: مشروعیت جبران کاهش ارزش پول
۳	دلیل اول: ملاک بودن قدرت خرید حقیقی پول
۴	دلیل دوم: تفاوت پول امروزی با پول در صدر اسلام
۴	دلیل سوم: ماهیت پول کاغذی و تحریری
۵	دلیل چهارم: لزوم رعایت قاعده عدل و قسط
۸	دلیل پنجم: لزوم جبران ضرر طلبکار
۸	دلیل ششم: لزوم تدارک اتلاف مالیت
۸	دلیل هفتم: لزوم ادای کامل بدهی
۹	جمع‌بندی
۱۱	منابع و مآخذ



مقدمه

پول و احکام فقهی - حقوقی آن دارای نقشی مهم و اساسی در اقتصاد است به گونه ای که می توان ادعا نمود مهمترین عامل در نظام مالی به شمار می رود. کاهش مستمر ارزش پول آثار مهم و گسترده ای بر مبادلات اقتصادی بر جای می گذارد. این کاهش و به عبارت دقیقتر نوسانات ارزش پول از قدیم الایام وجود داشته اما در عصر حاضر شتاب بیشتری گرفته است. ضمان کاهش ارزش پول از موضوعات چالش برانگیز میان اندیشمندان فقهی، حقوقی و اقتصادی است. منشأ این اختلاف نظرها، رویکردهای مختلفی است که در رابطه با ماهیت پول وجود دارد. این نوشتار دیدگاه های فقهی موجود در زمینه مشروعیت یا عدم مشروعیت ضمان کاهش ارزش پول را بررسی و تبیین نموده است.

دیدگاه نخست: عدم مشروعیت ضمان کاهش ارزش پول

گروهی از فقها معتقدند اگر در شرایط تورمی ارزش پول با کاهش مواجه شود، جبران آن بر عهده مدیون نمی باشد و تأدیه بدهی می بایست به اندازه ارزش اسمی آن صورت گیرد. ایشان در حکم به عدم ضمان کاهش ارزش پول به دلایلی استناد نموده اند که در این قسمت برخی از این دلایل را به اختصار توضیح خواهیم داد.

دلیل اول: مثلی بودن پول

پول در زمره ی اموال مثلی^۱ است و بنا بر قاعده ی مشهور «ضمان مثلی به مثل^۲»، جبران کاهش ارزش آن جایز نیست و آنچه بر ذمه ی بدهکار است فقط مثل پول بر حسب مشخصات ظاهری آن اعم از عدد، رقم، رنگ و... است.^۳ در واقع از آنجایی که از میان ویژگی اشیاء، تنها خصوصیات ذاتی مثل سیاهی و سفیدی در مثلی بودن آن دخالت دارند، ارزش و قدرت خرید پول که از نظر عرف از مقومات پول نیست؛ بلکه از عوارض و حالات آن است، هیچ مداخلیتی در مثلی بودن ندارد؛ از همین روی طلبکار نمی تواند بیشتر از مبلغ مزبور مطالبه کند و افزایش یا کاهش قدرت خرید تأثیری در این حکم ندارد.

۱- یک شیء هنگامی مثلی است که عرف و عقلا حاضر باشند هر یک از مصادیق آن را به جای هم بپذیرند و این امر در صورتی محقق می شود که ویژگی های آن شیء به گونه ای باشد که باعث تفاوت، رغبت، مطلوبیت و در نتیجه تفاوت در مالیت آنها نشود. به طور کلی مالی که مانند بسیار دارد، مانند اشیاء تولیدی کارخانه ها و گندم، مثلی است و چیزهایی که مکمل یا موزون یا قابل اندازه گیری مانند پارچه نباشند، قیمی اند.

۲- این قاعده فقهی بدین معناست که ضامن هنگام ادای حق ذی حق، اگر آن حق و مال، مثلی بود، باید مثل آن را بدهد و اگر قیمی بود، باید قیمت آن را بپردازد.

۳- سیستانی، سید علی، پاسخ به نامه شماره ۵۶/۶۱۹/۱۳ و مورخه ۱۳۷۵/۷/۲۴ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ایران .



دلیل دوم: مواجه شدن با ربا

دومین دلیل اساسی برای حکم به عدم مشروعیت ضمان کاهش ارزش پول در دیون و امثال آن، مواجه شدن با ربا است که حرمت آن از مسلمات فقه اسلامی است. در واقع ضمان کاهش ارزش پول یکی از مصادیق ربا به شمار می‌رود؛ زیرا زیاده‌تر از مبلغ اسمی دین، مصداق منفعت و ریاست. بنابراین اگر در هنگام بازپرداخت دیون و امثال آن، بیش از ارزش و مبلغ اسمی، پول پرداخت شود، مقدار زیادی، ربا خواهد بود. لذا چون از نظر عرفی، پول کالایی با ارزش محسوب می‌شود نه عین ارزش (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹) و دارای ارزش اعتباری مستقلی است که ربطی به قدرت خرید آن ندارد، در دیون و روابط مالی می‌بایست ارزش اسمی مستقل آن را ملاک قرار داد نه قدرت خرید پول را و گرنه با ارتکاب ربای محرم مواجه خواهیم شد. (همان، ص ۲۲۱)

دلیل سوم: ثبوت ارزش اعتباری پول

پول، مالی اعتباری و دارای ارزش اعتباری است نه واقعی. بنابراین ارزش و توان خرید پول هیچگاه بالا و پایین نمی‌رود و از ثبوت لازم برخوردار است. مگر این که با اعتبار معتبر (چه دولت باشد و چه غیر دولت) کم و زیاد شود. نه به میزان مطلوبیت و رغبت آن برای مردم. در واقع چون پول امروزی ارزش واقعی و ذاتی ندارد، قابل کاهش یا افزایش نیست بلکه اعتباری محض است و زیادی و کمی آن نیز به اعتبار اعتبارکننده آن بستگی دارد. (شمس، ۱۳۷۶، ص ۳۲)

دلیل چهارم: ضرر وارد شده از اراده مدیون خارج است

اگر به جهت تورم، ارزش پول کاهش یابد و از این حیث ضرری متوجه طلبکار شود، جبران این ضرر برعهده بدهکار نمی‌باشد؛ زیرا منشاء این ضرر و خسارت، قرض و دین یا فعل مقترض و مدیون نیست بلکه از دایره اراده و قدرت آنها خارج است. مثل اینکه پولی قرض داده نمی‌شد و در صندوقی محبوس می‌شد و ارزش آن کاهش می‌یافت. بنابراین نمی‌توان مقترض را به جبران ضرری مجبور کنیم که دخالت در وقوع آن نداشته است. روشن است که چنین امری از ناحیه شرع پسندیده نیست. (قحف، ۱۴۱۵ق، صص ۱۸۷ و ۲۲)

دلیل پنجم: مغایرت با قاعده عدل و انصاف

یکی از قواعد بنیادی شریعت اسلامی، قاعده عدل و انصاف است. براساس این قاعده اگر کاهش ارزش پول که از تورم نشأت می‌گیرد به مدیون منتسب گردد و جبران آن به وی تحمیل شود، از دایره عدل خارج است. در واقع الزام مدیون به جبران کاهش ارزش پول، ظلمی آشکار در حق اوست و منافات صریح با عدل و انصاف دارد.

افزون بر دلایل فوق برخی نیز به ادله نقلی تمسک جسته‌اند. لکن به نظر می‌رسد حکم به عدم جواز جبران کاهش ارزش پول بر اساس روایات صادر شده در باب تغییرات درهم و دینار (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۸، ص ۱۸۴، ح ۳)، مشکل باشد؛ زیرا بین پول‌های اعتباری امروزی با درهم و دینار عصر تشریح از حیث ماهوی تفاوت‌هایی اساسی وجود دارد. همچنین میزان شدید کاهش ارزش پول در عصر پول‌های اعتباری با کاهش اندک ارزش درهم و دینار در صدر اسلام قابل مقایسه نیست. بنابراین استنباط حکم عدم ضمان کاهش ارزش پول از برخی روایات، فقط به شیوه قیاس امکان دارد که بنا بر مذهب امامیه مردود است. علاوه بر این، قیاس مع‌الفارق است.

در نهایت برخی از فقها با استناد به دلایل موجه دیگری به جزء روایات حکم به عدم مشروعیت جبران کاهش ارزش پول به نحو مطلق داده‌اند؛ چه میزان کاهش ارزش به نحو متعارف باشد چه به نحو غیر متعارف. همچنین تفاوتی نمی‌کند بین حالتی که تأدیه بدهی به موقع صورت گرفته یا با تأخیر همراه بوده است. در هیچ کدام از این حالات کاهش ارزش پول، ضمان آور نیست و دریافت خسارت تأخیری هم که از کاهش ارزش پول، ناشی می‌شود، صحیح نمی‌باشد. (قحف، ۱۴۱۵ق، صص ۱۸۸-۱۸۹) سید محمدکاظم



طباطبایی یزدی در زمینه خسارت ناشی از کاهش ارزش پول بر اثر تأخیر تأدیه می‌گوید: «اگر داین طلب خویش را مطالبه کند و مدیون در دادن بدهی بدون وجه شرعی ممانعت کند، در صورت تنزل قیمت، این خسارت از کیسه طلبکار رفته است.» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۷۹)

امام خمینی (ره) هم در پاسخ به یک سؤال درباره شخصی که در ضمن عقد قرض، شرط ضمان نسبت به قدرت خرید کرده است، می‌نگارند: «شرط مذکور نافذ نیست و همان مبلغی را که قرض گرفته، ضامن است و قدرت خرید پول به این مسأله اثر ندارد.» (خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲، صص ۲۹۱-۲۹۰)

برخی دیگر از مراجع تقلید نیز در فرض مورد بحث، نظر فقهی خود را بیان کرده‌اند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

آیه ... سیستانی: «مادامی که پول به کلی ارزش خود را از دست نداده است، معیار ضمان‌ها و بدهکاری‌ها همان مقدار از پول است که سابق بوده و کم شدن ارزش، موجب افزایش ضمان و بدهکاری نمی‌شود.»^۱

آیه ... تبریزی: «چنانچه شخص بابت قرض یا غیر آن مبلغی از پول رایج به دیگری بدهکار باشد، طلبکار فقط همان مبلغ را می‌تواند مطالبه کند و حق مطالبه بیش از آن را ندارد و کاهش یا افزایش قدرت خرید پول تأثیری در حکم مزبور ندارد.» (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۴)

آیه ... فاضل لنکرانی نیز جبران کاهش ارزش پول را لازم نمی‌دانند و معتقدند پول کالایی مثلی است و گیرنده ضامن همانی است که گرفته است نه ضامن قدرت خرید و غیره. بنابراین اخذ تفاوت قیمت به عنوان خسارت تأخیر تأدیه هم مشروع نیست. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، صص ۲۵۴-۲۵۵)

دیدگاه دوم: مشروعیت جبران کاهش ارزش پول

طرفداران مشروعیت کاهش ارزش پول در اثبات سخن خود به دلایل متعددی تمسک نموده‌اند که مهمترین آنها عبارتند از:

دلیل اول: ملاک بودن قدرت خرید حقیقی پول

فلسفه وجودی پول بیان ارزش‌ها و مشخص کردن نسبت‌های مختلف ارزش‌ها بین کالاها و خدمات است. (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۳) در واقع پول رایج هر عصر و زمان، مبین ارزش‌ها و نشانگر نسبت‌های مختلف بین کالاها و خدمات است. لذا باید در دیون، جنایات و ضمانات، ارزش و قدرت خرید حقیقی پول که در زمان‌های مختلف، متفاوت می‌باشد، ملاحظه شود.^۲ البته از آنجایی که پول‌های کاغذی^۳ و تحریری^۴ نیز جز حفظ مالیت و ارزش، خاصیت دیگری ندارند که آن هم در صورت الغای مالیت یا کم شدن ارزش از بین می‌رود،^۵ اگر در طول زمان و بر اثر تورم، ارزش و مالیت آن کاهش یابد یا از بین رود، در دیون و روابط مالی - پولی می‌بایست جبران شود. (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱)

۱- پاسخ مورخ ۱۴۱۷/۲ق به کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.

۲- نوری همدانی، حسین، پاسخ به نامه شماره ۵۶/۶۱۹/۸، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.

۳- پول کاغذی به اسکناس‌های کاغذی اطلاق می‌شود که در میان مردم و در بازار برای انجام معاملات و مبادلات در حال گردش است.

۴- پول تحریری پولی است که عقلائی عالم برای آنکه مبادلات خود را با کمترین هزینه و آسانترین راه انجام دهند، اختراع نمودند. این نوع پول هیچگونه ماده فیزیکی نداشته و صرفاً ارزش مبادله‌ای اعتباری عام دارد مانند چک.

۵- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، پاسخ به نامه شماره ۴۵۳، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۷۵/۷/۲۱.



دلیل دوم: تفاوت پول امروزی با پول در صدر اسلام

در صدر اسلام به دلیل ماهیتی که پول آن دوره داشته است، پرداخت دین به همان مقدار یوم‌القرض در راستای تأدیه کامل دیون در انواع مناسبات مالی، کفایت می‌نموده است. بنابراین اگر از زمان قرض چندین سال می‌گذشته، این گذر زمان نوسانی در قدرت خرید پول ایجاد نمی‌کرده؛ زیرا پول‌های رایج در اقتصاد صدر اسلام دینار و درهم بوده که به لحاظ ماهیتی دارای دو قدرت خرید هستند: قدرت خرید ذاتی و قدرت خرید اعتباری. قدرت خرید ذاتی نهفته در دینار و درهم، ناشی از مقدار و عیار طلا و نقره آنهاست و قدرت خرید اعتباری صرف آن (قدرت خرید مبادله‌ای منهای قدرت خرید ذاتی) بسیار ناچیز است که صرفاً از طریق عرضه و تقاضای آن به وجود می‌آید. به همین دلیل قدرت خرید مبادله‌ای دینار و درهم در یک محدوده زمانی به مقدار اندکی قابل نوسان بوده و در بلند مدت هرگز از یک حد کمتر نمی‌شده است. (موسایی، ۱۳۷۷، صص ۶۰-۶۱؛ صدر، ۱۳۷۵، صص ۱۵۰-۱۵۴) اما پول جدید (پول کاغذی و پول تحریری) بر خلاف دینار و درهم، دارای قدرت خرید اعتباری است؛ زیرا حقیقت اسکناس چیزی است که کارگزاران در جهت تسهیل امور اقتصادی و معاملی برای آن اعتبار مالیت یعنی اعتبار قدرت خرید کرده‌اند. به این ترتیب تمام حقیقت اسکناس چیزی جز قدرت خرید اعتباری و مقدار توانایی برای رفع احتیاجات انسان‌ها نیست. (موسوی بجنوردی، ص ۳۹؛ یوسفی، ۱۳۷۷، صص ۱۱۹-۱۲۰) همین امر باعث تفاوت در ماهیت پول‌های فعلی با طلا و نقره می‌گردد. لذا امروزه برای ادای دین در روابط و مناسبات مالی، می‌بایست ماهیت پول امروزی که مالیت و قدرت خرید است، در نظر گرفته شود و اگر به هر دلیلی از میزان مالیت پول در زمان سررسید دین و یا مدت زمانی که بدهکار در ادای دین خود تأخیر نموده، کاسته شود، این کاهش می‌بایست از سوی بدهکار جبران گردد.

دلیل سوم: ماهیت پول کاغذی و تحریری

یکی از عواملی که در حکم به ضمان کاهش ارزش پول نقش بسزایی دارد، تشخیص ماهیت پول امروزی است. در واقع تعیین ماهیت پول کاغذی و تحریری که کالای مثلی یا قیمی است، در چگونگی تأدیه و بازپرداخت دین تأثیر بسزایی دارد. از متون فقهی اینگونه استنباط می‌شود که در جهت تأدیه بدهی در قرض و سایر مبادلات باید سعی شود حق و حقوق طرف مقابل به طور کامل ادا شود. ادا و پرداخت عوض هم باید به گونه‌ای باشد که بتواند با اصل کالا برابری کند. لذا در کالاهایی که مثل و مانند داشته باشد، یقیناً بهترین جانشین برای کالای قرض گرفته شده، همان مثل و نظیر آن است. اگر کالا مثلی نبود بلکه قیمی بود، بهترین جانشین و عوض برای آن، قیمت کالا است که باید پرداخت شود.

در رابطه با پول کاغذی و تحریری هم اگر هنگام سررسید دین یا در مدت زمانی که بدهکار از تأدیه دین خودداری می‌کند، ارزش پول به دلیل تورم کاهش یابد، ادای دین باید به گونه‌ای باشد که مدیون را کاملاً بری‌الذمه نماید. لذا کسانی که پول کاغذی و تحریری را کالای قیمی تلقی کرده‌اند، معتقدند ضمان کاهش ارزش پول براساس قاعده مشهور فقهی که ضمان مثل به مثل و ضمان قیمی به قیمی است، واجب می‌باشد؛ زیرا آنچه در پول اعتبار دارد، مالیت، ارزش و قدرت خرید آن است و سایر ویژگی‌های آن اهمیتی ندارد. بنابراین آنچه در ادای دین واجب است، پرداخت پول به همان میزان قدرت خریدی است که در یوم‌القرض، بدهکار است. (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۱۵ و ۱۴؛ هاشمی، ۱۳۷۴، صص ۵۷-۵۸)

البته از دیدگاه برخی از اندیشمندان، اگر چه پول فعلی، مال است اما قیمی و مثلی به شمار نمی‌آید و فقط قدرت خرید محسوب می‌شود؛ زیرا ضابطه قیمی و مثلی در کلام فقیهان مربوط به کالاها و اموالی است که ارزش ذاتی داشته باشند و پول‌های کاغذی که صرفاً مال اعتباری هستند، خارج از قلمرو ضابطه قیمی و مثلی می‌باشند. در واقع حقیقت و ماهیت پول کاغذی و اسکناس چیزی جز قدرت خرید نیست. بنابراین در دین، مهریه و ... عرف ادای قدرت خرید را ادای حق می‌دانند. پس آن چه بر عهده می‌آید، همان ارزش و قدرت خرید پول است. (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۷۱؛ موسوی بجنوردی، ص ۴۰)



بر اساس یک نظر دیگر هم اگر پول‌های اعتباری را اعم از اسکناس، تحریری و ... به حسب قدرت خرید و ارزش مبادله‌ای حقیقی، مثلی بدانیم باز هم هنگام ادای دین باید همسانی در قدرت خرید حقیقی هنگام دریافت پول اعتباری را ملاحظه نمود. لذا مدیون باید مقدار قدرت حقیقی پول را به دین بپردازد. این سخن بدان معناست که کاهش ارزش پول در دیون و سایر روابط مالی واجب و لازم است. (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۸۱)

دلیل چهارم: لزوم رعایت قاعده عدل و قسط

لزوم رعایت قاعده ی عدل و قسط و عدم ظلم در حق دیگران از امور ضروری و بدیهی دین اسلام است که در هر مورد از امور زندگی از جمله در باب دیون و معاملات باید جریان یابد. رعایت این قاعده هنگامی که ارزش پول کاهش شدیدی پیدا کند، در صورتی ممکن است که ملاک و معیار در بازپرداخت، قدرت خرید حقیقی پول باشد و گرنه از قلمرو عمل به عدل و انصاف خارج شده و دچار ظلم واضح می‌شویم. (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۹۰؛ هاشمی، ۱۳۷۴، ص ۷۸؛ موسایی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۳)

همه این دلایل به همراه دلایل دیگری که به جهت اختصار از بیان آن خودداری نمودیم، بر مشروعیت ضمان کاهش ارزش پول دلالت دارد و جبران کاهش قدرت خرید پول را شرعاً بر ذمه بدهکار می‌داند. فقهای که بر اساس همین دلایل حکم به ضمان کاهش ارزش پول نموده‌اند، سه دسته می‌شوند:

۱) برخی از فقها به نحو مطلق حکم به ضمان داده‌اند. آنها معتقدند جبران کاهش ارزش به طور مطلق و در همه شرایط جایز است. بدین معنا که در اثر تورم چه تنزل ارزش پول به نحو فاحش و غیر متعارف باشد و چه به میزان اندک و متعارف، در هر دو صورت جبران آن بر ذمه ی مدیون است. برای نمونه به نظر برخی از آنها در این زمینه اشاره می‌نماییم.

آیت ... سبحانی می‌فرماید: «برای جلوگیری از چنین ضررهای مالی یعنی کاهش ارزش پول، راه مشروعی در پیش است و آن اینکه وام‌دهنده به هنگام دادن قرض شرط کند که من این مبلغ از اسکناس را که ارزش آن معادل است با فلان مقدار ثابت پول ثابت یا کالا به تو قرض می‌دهم و به هنگام بازپرداخت باید این جهت را رعایت کنید و مبلغی را بدهید که دارای چنین ارزشی است. چنین شرطی ربا نیست زیرا شرط افزایش نیست...» (سبحانی، ۱۳۷۲، ص ۹۲)

آیت ... صانعی نیز معتقدند در زمان قرض دادن می‌تواند مالیت آن اسکناس را با طلا یا چیز دیگر معلوم کند و مالیتش را قرض بدهد مانند اینکه بگوید: مالیت این مبلغ را که نیم مثقال طلا است به شما قرض می‌دهم که در موقع پرداخت همین مقدار مالیت را در آن داشت می‌تواند با شرط، ضرر و زیان را بگیرد مثل اینکه به او بگوید: اگر در موقع معین نپرداخته ضامن خسارت می‌باشی و اگر بدون شرط بدهکار در ادای بدهی یا قدرت بر ادا ملاحظه می‌کند گرفتن ضرر و زیان بعید به نظر نمی‌آید. (صانعی، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۳۸۲-۳۸۳)

آیت ... سید کاظم حائری: «چنانچه تأخیر ادا عمدی و ضرری بود مانند غاصب که مال کسی را خورده و پس از بیست سال توبه کرده و می‌خواهد ادا کند یا مانند مدیون که وقت ادای دین او فرا رسیده و قادر به ادا هست ولی معصیتاً ادا نمی‌کند در این صورت طبق قاعده لاضرر مقدار کاهش را که به این پول عارض شده است شخص مقصر ضامن است و چنان چه به تأخیر ادا با توافق طرفین بوده یا به دلیل "نظرة الی میسره" دلیل بر ضمان کاهش وجود ندارد و شخص مدیون و در این صورت امین است و ضمانتی برای او وجود ندارد»^۱

فتوای آیت ... بهجت نیز حاکی از آن است که منصرف از وجه رایج در زمان تعیین مهر «قدرت خرید» است و مرجع تشخیص، عرف مطلع به قیمت هاست.^۲ ایشان در این فتوا موضوع پول را قدرت خرید می‌داند. لذا اگر در مهریه و سایر دیون قدرت خرید کاهش یابد، جبران آن لازم است.

۱- نامه شماره ۲۰۹۷، مورخ ۱۳۷۵/۱/۱۸، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲- پاسخ به نامه شماره ۵۶/۶۱۹/۱، مورخ ۱۳۷۵/۷/۱۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ایران.



۲) گروهی دیگر به نحو مشروط حکم به ضمان داده‌اند. آنها بر این باورند در صورتی که ارزش پول به نحو فاحش و غیرمتعارف کاهش یابد به گونه‌ای که عرف نتواند مسامحتاً آن را نادیده بگیرد، این کاهش ضمان آور است. (مثلاً در حادثه ای مثل جنگ، شرایط اقتصادی آن چنان دگرگون شود که ارزش پول به کمتر از نصف کاهش یابد) جبران کاهش ارزش ضروری است و پرداخت رقمی معادل رقم اصلی دین، از نظر عرفی ادای دین محسوب نمی‌شود. اما اگر مدیون دین خود را در رأس مدت مقرر بپردازد و شرایط اقتصادی در این مدت دگرگون نشده و کاهش ارزش اندک و به میزان متعارف باشد، طلبکار نمی‌تواند مبلغی بیشتر از رقم اصلی را بخواهد. کلام برخی از فقها مؤید این مطلب است:

آیت ... نوری همدانی: چون اسکناس از امور اعتباری می‌باشد از دایره ی مثلیات و قیمیات که از امور حقیقیه هستند، خارج است البته در بعضی موارد مانند زمانی که مدت بازپرداخت طولانی و تفاوت بین ارزش فعلی و گذشته فاحش باشد ارزش فعلی محاسبه می‌شود. (پایگاه اطلاع رسانی رسا، ۱۳۸۳)

آیت ... موسوی اردبیلی: «بحث مثلی و قیمی شامل کالاهای واسطه و پول نمی‌شود ولی اگر کسی مثلاً ۱۰۰ تومان به هر علتی بر عهده داشته باشد مادامی که ارزش پول فرق فاحش نکرده باشد همان را مدیون است و در صورتی که فرق فاحش بکند باید ارزش آن در نظر گرفته شود و یا مصالحه کنند». (پیشین)

ایشان همچنین در رابطه با دریافت خسارت تأخیر تأدیه تصریح می‌نمایند: «اگر تأخیر تأدیه موجب خسارت شود، بابت دیرکرد و جبران خسارت می‌تواند مبلغی را بگیرد، ولی مبلغی که می‌گیرد به مقدار خسارت است نه بیشتر.»

البته ایشان خسارت ناشی از تأخیر بدهی را به طور مطلق قابل جبران دانسته‌اند لکن از آنجایی که یکی از انواع خسارات وارده به طلبکار ناشی از کاهش ارزش پول است، شامل این اطلاق می‌شود لذا دریافت آن جایز است. همچنین در این فتوا تصریح شده است که طلبکار فقط به میزان خسارت وارده حق مطالبه دارد و نمی‌تواند مدعی بیش از آن باشد.

آیت ... مکارم شیرازی: «اگر تورم در زمان کوتاه و مقدار معمولی باشد محاسبه نمی‌شود چرا که همیشه تغییراتی در اجناس و قدرت خرید پول پیدا شده و می‌شود. سیره مسلمانان و فقها نیز بر عدم محاسبه تغییرات جزئی بوده است ولی اگر تورم شدید و سقوط ارزش پول زیاد باشد تا آن حد که در عرف پرداخت آن مبلغ ادای دین محسوب نگردد باید براساس وضع حاضر محاسبه کرد و در این مسئله تفاوتی بین مهریه و سایر دیون نیست...»^۱

ایشان همچنین در فتوای دیگری در رابطه با دریافت خسارات ناشی از تأخیر تأدیه اینگونه می‌نویسند: «یک وقت شخص با میل خود وامی به دیگری می‌دهد و می‌داند در این مدت تورم بالا می‌رود و در عین حال به این کار راضی شده است. چنین کسی حق ندارد مبلغ بیشتری بگیرد چون خودش اقدام کرده است صورت دوم آن است که شخصی خسارتی بر کسی وارد کرده و یا مدیون است و زمان ادای دین رسیده و آن را مدت زیادی تأخیر می‌اندازد به طوری که نرخ تورم بالا می‌رود در این صورت ادای دین و جبران خسارت جز با در نظر گرفتن نرخ تورم متوسط اشیای مختلف صدق نخواهد کرد.» (پایگاه اطلاع‌رسانی رسا، ۱۳۸۳)

از فتوای ایشان چنین استنباط می‌شود که برای حکم به ضمان در فرضی که مدیون در ادای دین تأخیر می‌کند، علاوه بر اینکه تنزل ارزش پول باید به نحو غیر متعارفی حادث شود، تأخیر نیز باید بدون رضایت طلبکار صورت گیرد. در واقع اگر مدیون بدون رضایت داین سررسید دین را به تعویق اندازد حکم به جبران خسارات ناشی از کاهش ارزش پول جایز است. این مطلب در موردی که سبب دین عقد قرض باشد، روشن‌تر است؛ چرا که عقد قرض یک عقد احسانی است و قرض دهنده با نیت خیر و ثواب اقدام کرده و کاهش ارزش پول به میزان اندک را نادیده گرفته است. (وحدتی شبیری، شماره ۳۶، ص ۸۹)

از محتوای فتاوی این فقهای محترم نکات زیر استنباط می‌شود:

۱- اگر کاهش قدرت خرید پول در فاصله ی زمانی بین سررسید دین و ادای آن به اندازه ی متعارف باشد، ضمان آور نیست و می‌توان گفت: شخصی که مبلغی قرض می‌دهد نسبت به کاهش ارزش پول به نحو متعارف اقدام به ضمان نموده و نمی‌تواند بیش

۱- مکارم شیرازی، ناصر، پاسخ به نامه شماره ۵/۵۶/۶۱۹/۵ مورخ ۷۵/۷/۱۸، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.



از مقدار دین باز پس گیرد؛ چرا که گرفتن مبلغ اضافی بر میزان اصلی دین به طور کلی حرام اعلام شده و متعارف میان مسلمانان نیز همین بوده است.

۲- در صورت کاهش غیر متعارف ارزش پول طلبکار می‌تواند به مدد قاعده‌ی لاضرر، میزان کاهش یافته ارزش پول را در فاصله‌ی زمانی بین سررسید و ادای دین مطالبه کند. درست مثل آنکه شخصی مانع از تصرف مالک در یخ به هنگام گرمای تابستان شود و می‌خواهد در پاییز که یخ از ارزش افتاد یا در اوایل زمستان که ارزش یخ بیش از اندازه کاهش یافته، مثل آن را بازگرداند.

۳) گروهی از فقها نیز در این مورد یعنی مسأله کاهش ارزش پول، قائل به مصالحه شده‌اند:

آیت ... خامنه‌ای: احوط مصالحه است. (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱، همان)

آیت ... بهجت نیز با وجود اینکه در فتوایی که ذکر شد به صورت مطلق حکم به جواز داده بودند در فتوای دیگری قائل به مصالحه شده‌اند: احوط مصالحه است. (پیشین)

آیت ... موسوی اردبیلی هم در این مورد علاوه بر اینکه ضمان را در صورت تنزل فاحش ضروری دانسته‌اند، مصالحه را هم به عنوان روش دیگر برای حل مسأله پیشنهاد نموده‌اند. (پایگاه اطلاع رسانی رسا، ۱۳۸۱)

۴) برخی دیگر از فقها نیز در مسأله مذکور، قائل به تفصیل شده‌اند و تنها در سه صورت حکم به ضمان کاهش ارزش پول نموده‌اند:

الف) در غصب و امثال آن که تأخیر در پرداخت بدون رضایت طرف مقابل صورت می‌پذیرد.

آیت ... صافی گلپایگانی در این زمینه می‌نویسد: «به طور کلی اگر بدهی اشخاص، اسکناس رایج و مانند آن باشد و موعد پرداخت آن رسیده باشد یا اشتغال ذمه به آن، به طور نقد باشد، و به عبارت اخری بدهی مذکور حال یا در حکم حال باشد و با مطالبه دائن، بدهکار مسامحه در تأخیر در ادا نماید و با افزایش شاخص قیمت‌ها و تغییر قدرت خرید، مالیت و قدرت خرید آن زاید از متعارف به نحو غیر متسامح‌فیه کاهش یابد، ظاهر این است که عرفاً طلبکار متضرر شده و بدهکار نسبت به ضرر مذکور از دیرکرد پرداخت طلب بستانکار حاصل شده، ضامن می‌گردد. چنان که اگر کسی اسکناس یا چک یا سند کسی را عدواناً نگاه دارد تا مالیت آن کاهش یابد، ضامن نقصان مالیت و ضرر وارده بر صاحب اسکناس خواهد بود...»

ب) در مسأله مهریه که عرف جبران کاهش ارزش پول را در آن بر خلاف مسأله قرض، لازم می‌داند.

آیت ... صالحی مازندرانی فرموده‌اند: «... به نظر می‌رسد که عرف در این مسأله، بین مهریه و قرض فرق می‌گذارد. عرف در مورد مهریه، به ضمان کاهش ارزش پول نظر می‌دهد بر خلاف قرض. می‌توان گفت ارتکاز عرفی در مورد مهریه ای که ۵۰ سال پیش ۲۰ تومان قرار داده شده، این نیست که الان هم که می‌خواهد پرداخت شود و ارزش آن بارها سقوط کرده است، به طوری که امروزه بیست تومان، پولی به حساب نمی‌آید، بگوییم همان بیست تومان اسمی را به عنوان مهر باید پرداخت کرد. در این جا قدرت خرید پولی که به عنوان مهر قرار داده شده بود (بیست تومان) مطرح است، بر خلاف مورد قرض که اگر شما پولی را از کسی قرض بگیرید، هر چند مدت آن طولانی باشد، وقتی همان بدهی اسمی را پرداختید، (همان مبلغی که گرفته بودی) عرف شما را مدیون نمی‌شناسد و بدهی شما را پرداخت شده می‌داند.» (صالحی مازندرانی، ۱۳۸۸، ص ۵۰)

ج) در فرضی که قرض‌دهنده از آینده پول و کاهش ارزش آن مطلع نباشد، جبران آن بر عهده قرض‌گیرنده است؛ زیرا این کاهش و زیان حاصل از آن به خواست او نبوده است.

آیت ... سید محمود هاشمی در تأیید این سخن می‌نویسند: «زیان یاد شده [= کاهش ارزش پول] به خواست او بر نمی‌گردد و اگر می‌دانست، هرگز به چنین داد و ستدی مدت دار تن در نمی‌داد. او بی‌خبر از آینده پول دست به انجام آن زد و از این روی، با پنداشت این که ارزش پول همچنان پایدار مانده و دستخوش دگرگونی ناهنجار نمی‌گردد، چنین کرد. این خود کمتر از غبن (فریب) که به کمک «قاعده لا ضرر» در آن حق خیار (توان بر هم زدن پیمان) را اثبات کرده‌اند؛ نیست. (هاشمی، ۱۳۷۴، ص ۷۴)



دلیل پنجم: لزوم جبران ضرر طلبکار

در هر زمانی نرخ تورم افزایش یابد به همان میزان از افزایش دارایی و قدرت خرید دین کاسته می‌شود. حال اگر در چنین شرایط تورمی، هنگام ادای دین ارزش پول با کاهش شدیدی مواجه گردد و مدیون این کاهش را جبران ننماید، به داین ضرری وارد نموده است که به حکم اسلام نفی شده است. همچنین در فرضی که مدیون از تأدیه به موقع بدهی خویش سر باز زند و پرداخت آن را به تعویق اندازد، گویی مانع از دسترسی طلبکار به طلب خود در زمانی شده که پول او دارای قدرت خرید بیشتری بوده و او می‌توانسته با به جریان انداختن آن، کسب سود نماید. در واقع عدم تأدیه به موقع بدهی هم او را از فرصت‌های سرمایه‌گذاری محروم نموده و هم باعث کاهش قدرت خرید پول وی شده است. این از دیدگاه عرف، ضرر محسوب می‌شود. ضرر هم مستند به تأخیر مدیون در پرداخت و نقض تعهد او می‌باشد و از آن جایی که داین راضی به این ضرر نبوده، به مقتضای قاعده نفی ضرر، جبران ضرر بر عهده مدیون متخلف می‌آید. لذا حکم به اکتفای مبلغ اسمی دین با قطع نظر از کاهش ارزش آن، حکم به ضرری است که نفی آن در اسلام یک قاعده مسلم است. (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۳۵) بازگشت چنین سخنی به این است که چون استواری و چیستی پول به ارزش مبادله‌ای آن در بازار وابسته است و بهره‌ی دیگری در آن یافت نمی‌شود، با کاهش ارزش در هنگام بازپرداخت نسبت به زمان دریافت، زیان نزد عرف عام صادق می‌باشد. بنابراین با تمسک به قاعده‌ی لاضرر، می‌توان این ضرر و زیان را نفی کرد. (همان، ص ۶۴) برخی از فقها با استناد به همین دلیل، حکم به لزوم جبران ضرر طلبکار در بحث تأخیر تأدیه نموده‌اند.^۱ البته مشهور فقها تمسک به این قاعده را در جهت اثبات ضمان صحیح نمی‌دانند؛ زیرا معتقدند حدیث لا ضرر تنها نافی احکام ضرری است و نقش بازدارنده دارد و نمی‌توان به استناد آن جعل حکم ضمان کرد.

دلیل ششم: لزوم تدارک اتلاف مالیت

تنها خاصیت پول‌های امروزی برخلاف درهم و دینار که خود دارای ارزش ذاتی و استعمالی بوده‌اند، حفظ مالیت و ارزش است.^۲ پول‌های جدید بدون در نظر گرفتن مالیت و توان خرید، کاغذهای منقوش بیش نیستند. لذا در شرایط تورمی اگر کسی تأدیه دین را به تأخیر اندازد، با این فعل خود قدرت خرید و مالیت پول را از بین برده است. از طرفی تمام قوام و اعتبار پول امروزی به مالیت آن است و تلف شدن مالیت پول همانند تلف عینی کالاهای دیگر است. در این حالت چون مالیت و ارزش پول به جهت تخلف مدیون تلف شده است، جبران آن بر مبنای قاعده اتلاف، لازم است و مدیون می‌بایست از عهده آن برآید. (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۳۶) در واقع به مقتضای قاعده اتلاف هر کس در مال دیگری بدون رضایت او تصرف کند و آن مال تلف شود، ضامن است. تأخیر در بازپرداخت دین نیز تصرف در مال دائن بدون رضایت او و بیش از حد مجاز است که به اتلاف مالیت پول منجر شده است. لذا تدارک این اتلاف بر مدیون، واجب است.

دلیل هفتم: لزوم ادای کامل بدهی

به حکم کتاب و سنت، ادای کامل بدهی از جمله تکالیف شرعی است که بر عهده مدیون قرار داده شده است. مسأله ادای دین بنا بر تصریح برخی از مراجع، امری عرفی محسوب می‌شود. یعنی در جو تورمی و هنگامی که ارزش پول کاهش می‌یابد، باید دید عرف چه چیزی را ادای دین محسوب می‌نماید. اگر تنزل ارزش پول بین زمان تحقق دین و ادای آن به نحو فاحش باشد، عرف وقتی مدیون را بری الذمه می‌شمارد که معادل ارزش واقعی پول را به داین بپردازد. بنابراین اگر مدیون تنها به پرداخت ارزش اسمی پول اکتفا کند، عرف عام او را بری‌الذمه نمی‌داند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۶۱، مسئله ۵۸۳؛ همو، ربا و بانکداری اسلامی، ص ۱۴۸، مسئله ۳۰) دلیل این مطلب هم داوری عرف عام نسبت به ادای دین است. در صورت که تنزل ارزش پول فاحش باشد،

۱- آیه... نوری همدانی، صافی گلپایگانی، سید کاظمی حائری.

۲- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، پاسخ به کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، ثبت در دفتر وی به شماره ۴۵۳ مورخ ۱۳۷۵/۷/۲۱؛ صافی گلپایگانی، لطف...، پاسخ به تاریخ ۳ جمادی الاخر ۱۴۱۷ق به نامه کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.



عرف عام، بازپرداخت مبلغ اسمی پول اعتباری را ادای دین نمی‌داند. اما اگر کاهش ارزش کم باشد، عرف، آن را ادای دین می‌شمارد. در واقع ملاک تحقق ادای دین و فراغ ذمه مدیون، قضاوت و داوری عرف عام است. مقصود از عرف، عرف "لوحلی و طبعه" می‌باشد یعنی عرفی که در معرض آموزش‌هایی مثل «مؤمن باید در دینش احتیاط کند چون که دین برادر مؤمن است» یا «هرکس مرتکب مشتبه گردد، سرانجام غرق در امور حرام خواهد شد»، قرار نگرفته باشد. به عنوان مثال عرف عام مردم کشورهای خارجی که مسلمان نیستند و در معرض چنین آموزه‌هایی قرار نگرفته‌اند، در رفتارهای اقتصادی خود در دیون و روابط مالی، بازپرداخت تا حد نرخ تورم را زیادی سود و ربا به شمار نمی‌آورند. اما از آنجایی که قضاوت عرف عام محیط‌های گوناگون ممکن است، متفاوت باشد، معیار، داوری عرف عام در همان محیط و جامعه می‌باشد. (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۸۶) عرف عام جامعه ما نیز در مواردی که تغییرات قیمت‌ها در کوتاه مدت یا دراز مدت، فاحش و به نحو غیرمتعارف باشد، جبران کاهش ارزش پول را برای تحقق ادای بدهی و برائت ذمه مدیون لازم می‌داند و آن را ربا بر نمی‌شمارد.

جمع بندی

با توجه به ماهیت پول اعتباری که قدرت خرید است، کاهش ارزش پول در شرایط تورمی ضمان‌آور است و جبران آن بر عهده مدیون است. افزون بر این دلایلی همچون لزوم ادای کامل بدهی، لزوم جبران ضرر طلبکار و لزوم تدارک اتلاف مالیت نیز به صورت مستقل، مستند فقهی مشروعیت ضمان کاهش ارزش پول است. در واقع در صورتی که قدرت خرید پول کاهش یابد به همان میزان مالیت پول هم تلف می‌گردد و منجر به ورود ضرر به داین می‌گردد. لذا بر مدیون واجب است که با تدارک این اتلاف مالیت، ضرر وارده را جبران نماید و بدین طریق دین خود را به طور کامل ادا نماید. اقتضای قاعده عدل و قسط نیز لزوم جبران کاهش ارزش پول است. داوری عرف عام نسبت به ادای دین نیز حاکی از آن است که در صورتی که تنزل ارزش پول فاحش باشد، تدارک آن بر عهده مدیون است.



منابع و مأخذ

- ۱- تبریزی، سید جواد، نامه شماره مورخه ۷۵/۷/۲۴، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ایران.
- ۲- حائری، سید کاظم، بررسی فقهی اوراق نقدی، مجله فقه اهل بیت، سال پنجم، شماره ۱۹ و ۲۰.
- ۳- خمینی، روح ا...، استفتائات، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵، چاپ سوم، ج ۲.
- ۴- سبحانی، جعفر، مجله رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، ۱۳۷۲.
- ۵- سیستانی، سید علی، پاسخ به نامه شماره ۵۶/۶۱۹/۱۳ و مورخه ۱۳۷۵/۷/۲۴ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ایران.
- ۶- شمس، سید حسین، فصلنامه فقه اهل بیت، قم، ۱۳۷۶، سال سوم، ش ۹.
- ۷- صافی گلپایگانی، لطف ا...، پاسخ به تاریخ ۳ جمادی الاخر ۱۴۱۷ق به نامه کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.
- ۸- صالحی مازندرانی، احکام فقهی پول (۲)، فقه اهل بیت، ۱۳۸۸، سال سوم، شماره ۹.
- ۹- صانعی، یوسف، مجمع المسائل، میثم تمار، قم، ۱۳۷۷، چاپ سوم.
- ۱۰- صدر، سید کاظم، اقتصاد صدر اسلام، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۵، چاپ اول.
- ۱۱- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، سؤال و جواب، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۴۱۵ق، چاپ اول.
- ۱۲- فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، امیر قلم، قم، ۱۴۲۵ق، چاپ اول، ج ۱.
- ۱۳- قحف، منذر، ربط الحقوق و الالتزامات الاجله بتغيير الاسعار، المعهد الاسلامی للبحوث و التدريب، البنك الاسلامی للتنمیه، المملكة العربیة السعودیة، ۱۴۱۵ق، چاپ اول.
- ۱۴- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه مجموعه آرای فقهی - قضایی در امور حقوقی، قم، ۱۳۸۱، ج ۱.
- ۱۵- معرفت، هادی، احکام فقهی پول، فقه اهل بیت، ۱۳۸۸، سال دوم، شماره ۷.
- ۱۶- مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، ۱۴۲۷ق، چاپ دوم، ج ۱.
- ۱۷- _____، ربا و بانکداری اسلامی، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، قم، چاپ اول.
- ۱۸- _____، پاسخ به نامه شماره ۵۶/۶۱۹/۵ مورخ ۷۵/۷/۱۸، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.
- ۱۹- موسایی، میثم، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران، ۱۳۷۷، چاپ دوم.
- ۲۰- _____، پژوهشی درباره ربا و جبران کاهش قدرت خرید پول، نامه ی علوم اجتماعی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲۱- نوری همدانی، حسین، پاسخ به نامه شماره ۵۶/۶۱۹/۸، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.
- ۲۲- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، پاسخ به نامه شماره ۴۵۳، کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۷۵/۷/۲۱.



- ۲۳- موسویان، سید عباس، بررسی فقهی ° حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر در ایران، فصلنامه فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
- ۲۴- موسوی بجنوردی، سید محمد، احکام فقهی پول، فصلنامه فقه اهل بیت، سال دوم، شماره ۷، ص ۳۹
- ۲۵- وحدتی شبیری، سید حسن، خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، شماره ۳۶، ص ۸۹.
- ۲۶- هاشمی، سید محمود، فصلنامه فقه اهل بیت، ۱۳۷۴، سال اول، ش ۲.
- ۲۷- یوسفی، احمد علی، بررسی فقهی نظریه های جبران کاهش ارزش پول (۲)، فصلنامه فقه اهل بیت، ۱۳۸۱، شماره ۳۱.
- ۲۸- _____، پول امروزی پول مثلی یا قیمی یا ماهیت سوم، فصلنامه فقه اهل بیت، ۱۳۷۷، شماره ۱۴.
- ۲۹- _____، ربا و تورم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.



گزارش‌های پژوهشی منتشر شده در سال ۱۳۹۲

عنوان	کد	نویسنده (نویسندگان)	کلید واژه‌ها
تحلیل عاملی نسبت‌های مالی بنگاه‌های صنعتی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران	MBRI9214	ماندانا طاهری فرهاد نیلی	
صکوک کوتاه‌مدت و کاربردهای آن در بانکداری و مالی اسلامی	MBRI9213	رسول خوانساری حسین میسمی لیلا محرابی	صکوک کوتاه‌مدت، ربا، سود، سپرده‌گذاران، بانکداری و مالی اسلامی
جعبه ابزار پیش‌بینی تورم در اقتصاد ایران	MBRI9212	سیدمهدی برکچیان سعید بیات هومن کرمی	
محاسبه سود قطعی سپرده‌گذاران در بانکداری بدون ربا	MBRI9211	حسین میسمی	ربا، سپرده‌گذاران، سود قطعی، حسابداری، بانکداری و مالی اسلامی
ارزیابی عملکرد صنعت بانکداری در ایران (مقایسه سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰)	MBRI9210	اعظم احمدیان	
نگاهی به چارچوب قانونی، نهادی و نظارتی ورشکستگی بانک	MBRI9209	حمید قنبری	
تحلیل شاخص‌های عملکرد شبکه بانکی در تأمین مالی تولید	MBRI9208	اعظم احمدیان	منابع بانک، مصارف بانک، مدیریت دارایی و بدهی، تأمین مالی تولید
بسترهای تشکیل منطقه بهینه پولی بین کشورهای سازمان همکاری اقتصادی (اکو)	MBRI9207	مصعب عبدالهی آرانی	منطقه بهینه پولی، سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، اقتصاد منطقه‌ای، همگرایی اقتصادی و پولی
حاکمیت شرکتی، نظارت و مقررات احتیاطی در مؤسسات مالی اسلامی: گزارش پنجمین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی	MBRI9206	حسین میسمی	نظارت شرعی، مقررات احتیاطی، مؤسسات مالی اسلامی، ربا، بانک اسلامی
استانداردهای حسابداری و حسابرسی در مؤسسات مالی اسلامی: گزارش چهارمین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی	MBRI9205	وهاب قلیچ	حسابداری، حسابرسی، استانداردهای حسابداری، بانکداری اسلامی، مؤسسات مالی اسلامی



گزارش‌های پژوهشی منتشر شده در سال ۱۳۹۲

کلید واژه‌ها	نویسنده (نویسندگان)	کد	عنوان
دارایی، بدهی، بانکداری بدون ربا، اصول شریعت، ایران	لیلا محرابی	MBRI9204	مدیریت دارایی و بدهی در بانک‌های اسلامی: گزارش سومین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی
ریسک، مدیریت ریسک، تأمین مالی اسلامی، اصول شرعی، ربا	رسول خوانساری	MBRI9203	مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی: گزارش دومین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی
تأمین مالی اسلامی، اصول شرعی، قواعد فقه، ربا، غرر	فرشته ملاکریمی	MBRI9202	اصول و مقررات شرعی در معاملات و تأمین مالی: گزارش اولین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی
تورم، ربا، مالیه تورمی، دولت اسلامی، بانکداری و مالی اسلامی	حسین میسمی	MBRI9201	تورم و جبران کاهش ارزش پول از دیدگاه اسلامی: گزارش هفتمین جلسه نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی



گزارش‌های پژوهشی منتشرشده در سال ۱۳۹۱

عنوان	کد	نویسنده (نویسندگان)	کلید واژه‌ها
پولی کردن کسری بودجه از منظر اقتصاد اسلامی: گزارش ششمین جلسه نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی	MBRI9111	حسین میسمی	ربا، مالیه تورمی، پولی کردن کسری بودجه، دولت اسلامی، بانکداری و مالی اسلامی
مجموعه روایات ربا (بخش اول)	MBRI9110	فرشته ملاکریمی	
بررسی فقهی و حقوقی وثایق بانکی	MBRI9109	فرشته ملاکریمی	وثایق بانکی، رهن، دین، قبض
عوامل مؤثر بر استفاده خانوارهای شهری از انواع خدمات مالی	MBRI9108	فرهاد نیلی و مرضیه اسفندیاری	استفاده از خدمات مالی، خصوصیات اقتصادی - اجتماعی خانوارهای شهری، مدل پروبیت
ضرورت معرفی رهنمود جدیدی در مدیریت ریسک نقدینگی با توجه به تحولات سیستم مالی در ایران	MBRI9107	زهرا خوشنود	مدیریت ریسک نقدینگی، رهنمود، بحران مالی، سیستم مالی
ساختار بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی: نمونه موردی کشور مالزی	MBRI9106	لیلا محرابی	مالزی، بانکداری اسلامی، ابزارهای مالی، عملکرد مالی
مفهوم‌شناسی ربا و بهره	MBRI9105	حسین میسمی	ربا، بهره، سود، سرمایه، بانکداری و مالی اسلامی
تورق چیست؟	MBRI9104	وهاب قلیچ	تورق، ابزار مالی، تجهیز و تخصیص منابع بانکی، فقه اسلامی
چشم‌انداز اقتصاد اسلامی بر بحران مالی جهانی	MBRI9103	لیلا محرابی	اقتصاد اسلامی، بحران مالی
وضعیت بانکداری اسلامی در کشورهای منطقه MENA	MBRI9102	لیلا محرابی	بانکداری اسلامی، کشورهای منطقه MENA، عملکرد، تأمین مالی اسلامی
بحران یورو؛ ریشه‌های پیدایش و سناریوهای آینده	MBRI9101	ایلناز ابراهیمی	حوزه یورو، بحران یورو، دلایل بحران، آینده حوزه یورو

برای دریافت فایل گزارش‌های منتشرشده به وبسایت <http://www.mbri.ac.ir>، منوی پژوهش مراجعه فرمایید.